



۱۴

خطرات نرفتن به راه بادیه و نشستن باطل!

پولسازی در تعطیلات تابستانی



۱۵



۱۶

انقراض چشم‌های زیبا

بررسی شرایط زیستگاه آهوی ایرانی در خراسان جنوبی نشان می‌دهد جمعیت غزال تیزپای ایرانیان به سرعت در حال کاهش است

زندگی

یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره ۵۹۶۰



info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴



#کلاهبرداری-خبریه

یک شهروند:

برخی افراد در پوشش جمع‌آوری کمک‌های خیرخواهانه با راه‌اندازی درگاه‌ها و شبکه‌های جعلی از مردم کلاهبرداری می‌کنند. از نیروی انتظامی تقاضای رسیدگی به این موضوع را دارم.

#تاکسی-فرسوده

گودری از تهران:

چرا سازمان تاکسیرانی پایتخت‌های فرسوده را جمع‌آوری نمی‌کند تا آلودگی هوا و آلودگی صوتی در کلانشهرها خصوصا پایتخت جلوگیری شود؟

#کتابخانه-بوستان

جعفری از تهران:

برخی از بوستان‌های پایتخت فاقد کتابخانه هستند. از شهرداری تهران تقاضا دارم برای افزایش سرانه مطالعه در این مورد چاره‌اندیشی کند.

#تاکسی-کرایه

جمعی از رانندگان:

با اعلام سازمان تاکسیرانی، نرخ کرایه تاکسی افزایش یافت؛ در صورتی که نرخ کرایه تاکسی‌های اینترنتی هیچ تغییری نکرده است.

#لبنيات-قیمت

شهریاری از تهران:

چرا دولت هیچ نظارتی بر قیمت لبنیات ندارد؟ در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مغازه‌ها قیمت‌ها متفاوت است.

جوابیه

دربی درج پيامی دريکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ با عنوان «اتوبوس‌های فرسوده» مشاور مدیرعامل و مدیر روابط عمومی شرکت واحد اتوبوسرانی شهر تهران و مومه با ارسال نمابری اعلام کرد: این شرکت از هیچ تلاشی برای خدمت‌رسانی مطلوب به شهروندان محترم فروگذار نمی‌کند. همچنین اعلام می‌دارد بازسازی و بهسازی اتوبوس‌های فرسوده در دستور کار این شرکت قرار دارد و به صورت مستمر اقدامات فنی برای اورهال کردن آنها صورت می‌پذیرد. سال گذشته ۲۵۰ دستگاه اتوبوس و مینی‌بوس جدید تولید داخل خریداری و به چرخه خدمت‌رسانی به شهروندان محترم افزوده شد. همچنین امسال خرید اتوبوس‌های جدید در دستور کار این شرکت قرار دارد.

دربی انتشار پيامی در تاريخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۱ با موضوع کمبود پارکينگ در يافت‌آباد، روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۹ با ارسال نمابری اعلام کرد: محل مورد نظر شهروند(بازار میل یافت‌آباد) در محدوده شهرداری منطقه ۱۸ واقع شده است.

چرا نداشتن فرزند یا تک فرزندی تبدیل به ارزش شده است؟

فرزند کمتر زندگی غمگین‌تر



تأمیل به فرزندآوری کم‌شده است؛ این واقعیتی است که این روزها نمی‌شود کتمان یا انکارش کرد. زوج‌های جوان تصمیم به فرزندآوری ندارند و ترجیح می‌دهند زیر بار مسئولیتی که فرزند داشتن با خود می‌آورد، نروند. برخی خانواده‌ها هم یک یا دو فرزند را ایده‌آل‌ترین شکل از خانواده می‌بینند و علاقه‌ای به داشتن فرزندان بیشتر ندارند. هرچند کم نیستند افرادی که علت گریز از فرزندآوری را مسائل اقتصادی و آینده مبهم‌شان می‌دانند اما در این میان باید یادآور شد، این موارد همه دلایلی نیست که باعث نبود تأمیل به داشتن فرزند باشد؛ موضوعی که کارشناسان و متخصصان حوزه جمعیت هم آن را قبول دارند و تغییر نگرش و نگاه آدم‌ها در دنیای امروز را اصلی‌ترین دلیل برای شکل‌گیری فرهنگ زندگی بدون فرزند یا تک‌فرزندی می‌دانند.



نگس خاغللی‌زاده

جامعه

تا دلتان بخواد، دلیل وجود دارد برای بچه‌دار نشدن؛ نبود شرایط مالی برای تأمین هزینه‌ها، ترجیح اولویت‌هایی مانند درس و کار نسبت به فرزندآوری، نگرانی از آینده فرزند، تجربه سخت از فرزند اول، نبود مسکن مناسب و چند دلیل دیگر که هر کدام برای خانواده‌ها آتقدرد جدی است که تصمیم به نداشتن فرزند می‌گیرند اما واقعا وجود این دلایل برای تصمیم به این بزرگی کافی است؟ این‌طور که پژوهشگران جمعیتی می‌گویند، شرایط نامناسب اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین دلایل خانواده‌ها برای عدم تأمیل به داشتن فرزند است در حالی که اعداد و ارقام نشان می‌دهد که چنین موضوعی واقعیت عینی ندارد. در واقع این‌که خانواده‌هایی با تعداد فرزندان بالا، نسبت به خانواده‌هایی با فرزند کمتر، تحت فشار بیشتری هستند گزاره‌ای صحیح است ولی آمارها نشان می‌دهد این موضوع که فشار اقتصادی مانع از فرزندآوری شده با واقعیت همخوانی ندارد؛ چرا که اتفاقا برخلاف تصور، میانگین تعداد فرزندان قشر متمول جامعه از طبقه متوسط که با فشار اقتصادی بیشتری روبه‌رو هستند، کمتر است. از طرف دیگر استان‌هایی که به لحاظ سرانه، وضعیت اقتصادی بهتری دارند، مثل استان‌های شمالی کشور به لحاظ سالمندی جمعیت و نرخ باروری ضعیف‌ترین آمار را دارند. شاید برای رد دلیل مهیا نبودن شرایط اقتصادی بهتر باشد چنین سوالی مطرح شود؛ این‌که اگر همین امروز به زوجی که به دلیل نر نیامدن از پس تأمین هزینه تصمیم به فرزندآوری ندارند، خبر بدهند که مثلا ۵۰۰ میلیون تومان پول نقد برنده شده‌اید، آیا تصمیم‌شان عوض می‌شود و نظرشان به فرزندآوری برمی‌گردد؟ به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم منصفانه به این ماجرا نگاه کنیم، پاسخ این پرسش مثبت نیست چرا که مشکل عدم تأمیل به فرزندآوری در جامعه ما بیشتر از این‌که مشکل اقتصادی باشد، مشکل نگرشی به این موضوع است و خانواده‌هایی که چند فرزند دارند، بیشتر مایه تعجب هستند و انگشت اشاره به سمت‌شان می‌رود تا خانواده‌هایی که هیچ فرزند ندارند. آسیب‌شناسان حوزه جمعیت معتقدند که طبیعتا حاکمیت با توجه به اهمیت فرزندآوری، باید از زوج‌های جوان حمایت کند و تسهیلات و مشوق‌هایی را برایشان در نظر بگیرد اما

فرصت تحصیل فراهم می‌شود، شهرنشینی اتفاق می‌افتد، امکانات تفریحی برای بالابردن کیفیت اوقات فراغت فراهم می‌شود و... به همان نسبت باروری هم کمتر می‌شود، یعنی انسان امروز بیشتر از گذشته به اندامش اهمیت می‌دهد، نوع لباسی که می‌پوشد برایش مهم‌تر است، به اوقات فراغتش اهمیت زیادی می‌دهد و علاقه‌ای ندارد که سبک‌زندگی با کیفیت خودش را با فرزندآوری از دست بدهد؛ موضوعی که در گذشته خیلی مورد توجه نبود؛ «البته فرد این ترجیح کیفیت به کمیت را نسبت به فرزندش هم دارد و ترجیح می‌دهد یک فرزند داشته باشد تا بتواند همه امکانات رفاهی را برایش فراهم کند تا چند فرزند با امکانات کمتر». موضوعی که آن را در انواع و اقسام کلاس‌های ورزش، موسیقی، نقاشی و... که خانواده‌ها فرزندانشان را در آن ثبت‌نام می‌کنند، می‌بینیم؛ «برخی از این رفتارها انتخاب یک سبک‌زندگی با کیفیت است و البته نمی‌توانیم منکر این موضوع شویم که برخی از آن هم بر اثر چشم و هم‌چشمی اتفاق می‌افتد؛ موضوعی که امروز بیشتر از گذشته، رواج پیدا کرده است.» در واقع پیشرفت تکنولوژی و در اختیار داشتن همه ابزارهای موردنیاز در زندگی امروز، به جای داشتن نتیجه بهتر برای آسان‌شدن فرزندآوری و حتی تربیت فرزند، نتیجه عکس داشته است؛ کاظمی پورآمان را طبیعی می‌داند و راهکاری جز آگاهی و فرهنگ‌سازی خانواده‌ها و بعد از آن هم اجرای سیاست‌های حمایتی برای فرزندآوری نمی‌بیند: «عملا نمی‌توانیم توسعه را پایین بیاوریم،

توسعه بیشتر، فرزند کمتر

یکی از بدیهی‌ترین سوالات این است که در شرایط امروز که امکانات بیشتری نسبت به گذشته وجود دارد، چرا فرزندآوری به جای سهل‌شدن، سخت‌تر شده است؟ در این باره، شهلا کاظمی‌پور، کارشناس تحولات جمعیت معتقد است که این موضوعی کاملا طبیعی در سراسر دنیا است که با افزایش رفاه اجتماعی، توجه جامعه به کیفیت بیشتر از کمیت می‌شود؛ «معمولا کاهش تولد در همه کشورهای دنیا با شاخص‌های توسعه رابطه عکس دارد؛ یعنی هرچه توسعه و پیشرفت بالاتر می‌رود، میزان رفاه بیشتر می‌شود،

سرمایه‌ات را دریاب

زندگی +

یکی دیگر از جنبه‌های منفی تأمیل به تک‌فرزندی این است که ما در حال تقلیل نقش‌های خانوادگی هستیم. فرزندان ما در آینده یا خاله دارند یا دایی؛ یا عمه دارند یا عمو. در برخی موارد هم هیچ‌کدام را ندارند. در حالی که هر کدام از این نقش‌ها، سرمایه اجتماعی فرزندان ما هستند که ما با تک‌فرزندی، این سرمایه‌ها را هم از آنها و هم از خودمان دریغ می‌کنیم.

شاید بهتر است تصویر سال‌های آینده خودتان را تصور کنید؛ فکر می‌کنید زندگی ایده‌آل بعد از بازنشستگی چه نوع زندگی و با چه تعداد فرزند است؟ بازنشسته‌ای که سرکار نمی‌رود، تحصیل نمی‌کند، فعالیت‌های اجتماعی‌اش کم‌شده و نیاز به معاشرت دارد. کارشناسان جمعیت معتقدند که با چنین تصویر روشنی است که ارزش خانواده را می‌فهمیم؛ این‌که اگر فردی یک بچه داشته باشد و خدایی نکرده از دستش بدهد چه؟ اگر تنها فرزندش مهاجرت کند چه؟ در چنین مواقعی خوب است که انسان به خانواده‌اش به چشم سرمایه نگاه کند و به حداقل‌ها اکتفا نکند. ضمن این‌که روان‌شناسان به اتفاق معتقدند که کودک برای رشد تنها به لباس، تخت، تبلت و... نیاز ندارد بلکه لازم است با خواهر و برادری بزرگ شود که توانمندی‌های مختلف را از او بیاموزد، پدر و مادرش را که ارزشمندترین دارایی‌های او هستند، با فرد دیگری شریک شود و تعامل را یاد بگیرد. برای رسیدن به خواسته‌هایش بجنگد و مدام در کانون توجه نباشد و بتواند مشکل خودش را حل کند. موضوعی که آتقدرد با اهمیت به نظر می‌رسد که می‌تواند دلیل قابل‌قبولی برای داشتن چند فرزند باشد.

مانع پیشرفت بشویم و کشور عقب‌افتاده شود تا در عوض باروری بالا برود اما شاید بهترین راه این است که فرهنگ زندگی به دور از تجملات را به خانواده‌ها آموزش بدهیم و بعد از آن هم سراغ اجرایی‌کردن برنامه‌هایی برای حمایت از مادران برویم که به این باور برسند که بچه‌دارشدن لطمه‌ای به کیفیت زندگی‌شان نمی‌زند.»

باور به خدا

اما واقعا خدایی که فرزند می‌دهد، روزی‌اش را هم با او می‌دهد؟ سوالی که احتمالا برای خیلی از افرادی که مردد به داشتن فرزند در شرایط امروز جامعه هستند، پیش‌آمده است؛ اسماعیل چراغی، کارشناس جمعیت و روان‌شناس معتقد است باور به این وعده، نیاز به شناخت و آگاهی دارد؛ مساله‌ای که به طور اندک در مردم دیده می‌شود: «یکی از مهم‌ترین سنت‌های الهی این است که هر مخلوقی را که خدا خلق می‌کند، حتما رزقش را هم می‌فرستد اما این موضوعی نیست که بتوانیم در هر شرایطی آن را به زبان آوریم و بعد هم انتظار داشته باشیم که مردم آن را به‌راحتی بپذیرند و فرزندآوری داشته باشند.» او معتقد است که اگر فرهنگ سه لایه باشد، لایه اول و بنیادی‌اش باورها است: «ما نمی‌توانیم امروز به بسیاری از زوج‌های الهی توصیه کنیم که شما بچه بیاورید، خدا هم رزقش را می‌دهد چون تا امروز بافت و ساختار لازم برای باور آن را رعایت نکرده‌ایم؛ بنابراین باید حق بدهیم که در این شرایط تصمیم به فرزندآوری نداشته باشند در صورتی‌که اگر پیش از این آگاه‌شده باشند، نگرش‌شان به ماجرا عوض می‌شود.» چنین باوری نیاز به ارتقای سطح شناخت جامعه دارد؛ آن وقت است که به این وعده‌ها هم باور پیدا خواهیم کرد؛ البته نباید فکر کنیم در همین نسل که تصمیم به نداشتن فرزند یا تک‌فرزند دارند، امکان اصلاح صددرصدی وجود دارد بلکه باید به صورت ریشه‌ای و پایه‌ای روی این موضوع کار شود. آموزش در مدارس، تغییر در محتوای درسی و تعامل معلمان با دانش‌آموزان یکی از راهکارهایی است که می‌تواند نگرش کودکان را که فرزندآوران نسل بعدی هستند، نسبت به زندگی تغییر دهد. ضمن این‌که مراکز تغییردهنده نگرش‌ها مثل رسانه‌های جمعی هم می‌توانند تاثیرگذار باشند؛ «آن وقت است که آن کودک با شناخت کافی رشد می‌کند و در سنین بالا، خودش به جایی می‌رسد که به این عبارت که خدا روزی فرزند را می‌دهد باور پیدا خواهد کرد و آن را در زندگی‌اش می‌بیند.»

البته که طبیعتا صرف داشتن اعتقاد، این تغییر را به‌وجود نمی‌آورد و باید پشتوانه‌ای هم وجود داشته باشد؛ یعنی در عین حال که ما به وعده خدا باور داریم، حاکمیت هم باید حداقل‌های معیشت، مانند داشتن امکان اشتغال را فراهم کند.

یادداشت

آمنه لاهوتی

متخصص زنان، زایمان و ناباروری

فرصت می‌گذرد

طبیعی است همه خانم‌ها دوست دارند مادرشدن را تجربه کنند؛ برخی کمی زودتر و برخی کمی دیرتر اما یکی از مشکلاتی که اخیرا با آن مواجه شده‌ایم و تعدادشان از حساب و شمارش خارج شده، برخورد با مشکلات ناباروری ناشی از به تاخیر انداختن بارداری در زوج‌هاست؛ اتفاقی که از دواج دیر هنگام به دلایل رسیدن به اهداف مالی، شغلی، تحصیلی و در برخی افراد به دلیل مهاجرت رخ داده است. ضمن این‌که بعد از ازدواج هم همچنان به دنبال فرصت مناسبی برای بچه‌دارشدن هستند و آن را به تعویق می‌انندازند؛ بسیاری از آنها در اوایل ازدواج معتقدند که حالا زود است، حالا وقت هست، حالا تفریح کنیم، حالا خانه بخریم و... بعد حوالی ۴۰ سالگی به ما مراجعه می‌کنند که حالا ما بچه می‌خواهیم، آن وقت است که ما مجبوریم به آنها بگوییم به دلیل دیر اقدام‌کردن با شرایط سخت و پیچیده‌ای برای باردارشدن مواجه هستیم؛ نمی‌گوییم نمی‌شود ولی سخت است. واقعیت این است که با گذر از ۳۵ سالگی، کیفیت تخمک افت می‌کند و همین کاررایی را بارداری سخت می‌کند. برای همین است که ما به همه کسانی که تمایل به بارداری دارند، توصیه می‌کنیم اولویت‌هایمان را بشناسند و فرزندآوری را به تعویق نیندازند. وقت برای درس‌خواندن، تفریح و کار همیشه هست اما فرصت برای بچه‌دارشدن همیشه وجود ندارد و اگر آن را به تاخیر بیندازیم، ممکن است این فرصت را برای همیشه از دست بدهیم. در این بین مهم‌ترین احساسی که وجود دارد، احساس پشیمانی است؛ پشیمانی از ترجیح اولویت‌هایی که مهم‌تر از داشتن فرزند نبوده است.

اما یکی از مسائل مهم برای پیشگیری از وقوع چنین مشکلاتی، آگاهی‌دادن به جوانان است. خصوصا فکر می‌کنم که این موضوعی نیست که خانم‌ها در سن بالا نسبت به آن آگاه شوند؛ بلکه این مساله باید در آموزش‌های دوران مدرسه گنجانده شود که دخترها بدانند که دوران باروری‌شان محدود است؛ بدانند که هرچه سن بالاتر می‌رود، کیفیت تخمک‌ها کم می‌شود. بدانند که مسائلی مانند مهاجرت، درس و تفریح را می‌شود به تاخیر انداخت ولی بچه‌دارشدن زمان دارد و هروقت بخوانند نمی‌توانند به آن برسند. باید حواسمان باشد کدام را فدای دیگری می‌کنیم؟ شغل را فدای بچه؟ یا بچه را فدای شغل؟ موضوعی که به نظر می‌رسد با آگاهی‌دادن کارشناسان کافی نیست و نیاز به آموزش‌های همگانی در سنین مناسب دارد. علاوه بر آن یکی از مسائلی که ما امروز با آن مواجه هستیم این است که برخی اقدامات پزشکی برای زنده نگه‌داشتن فرصت‌های باروری و درمان‌های ناباروری، تحت پوشش بیمه نیست یا حرکت‌های حمایتی بسیار کمی برای آن انجام شده که روند انجامش را بسیار سخت و زمانبر کرده است؛ درحالی‌که اگر حمایت‌های مالی از این قبیل اقدامات صورت بگیرد، خانواده‌های بیشتری برای فرزندآوری حتی در سنین بالاتر می‌کنند؛ البته که ما همچنان به پیشگیری معتقدیم و توصیه می‌کنیم که نباید تصمیم به فرزندآوری را به سنین بالا موکول کرد.